**سفر هند**

**افشار، ایرج**

هند آشنای دیرینهء ماست.در زبان ما مثلها و سخنها و حکایتهای بسیار دلاویز دربارهء هند هست.در شعر فارسی نکته‏های نغز و ظریف در سخن از هند آورده‏اند که طوطیان هند همه از آن ابیات شکرشکن می‏شده‏اند.

میدانید که اعتقاد پدران ما برین بوده که:هر که را طاووس باید جور هندستان‏ کشد.یعنی رنج سفر دریای موج‏خیز هند را بر خود هموار سازد.باز شنیده‏اید که گفته‏اند و هنوز میگویند:فیلش یاد هندوستان کرد،یعنی شوق و آرزو در دلش زبانه می‏کشد.

در ایامی که راه فرنگ بروی ما فریفتگان باز نشده بود هندوستان وطن دوّم‏ ایرانیان بود.در هجوم عرب بر ایران،گریختگان ایرانی به دریا کنار هند پناه‏ بردند و بر شهرهای آن سرزمین شگفت و صدگونگی نشیمن گزیدند.

پس از آن نیز،هندوستان،مسکن شاعران و نویسندگان و هنرمندان ما بود. گزاف نخواهد بود اگر بگویم که چند هزار شاعر فارسی‏گوی از ایران بدان سوی‏ روی آوردند و در دربارهای سلاطین محلّی هند آب و نانی یافتند.

شاید بدانید که سوداگران ایران از دیرزمان با هند داد و ستد بسیار داشته‏اند. از هند بود که چوبهای گرانبها و خوشبوی چون آبنوس و صندل و عود می‏آوردند،و باز از هند بود که جوز و فلفل و زردچوبه و انبه و قرنفل و زنجبیل و دارچین و میخک و دیگر ادویهء هندی را بار بار به ایران میفرستادند و ما خوردنیهای خود را با آنها رنگ و بوی می‏بخشیدیم و هنوز هم می‏بخشیم.

مردم هند اگرچه سیه‏چرده‏اند اما مردمی پاک‏دورن و دوست‏نواز و آرام گرفته- اند.آرامی و عمق از دیدگان خوش تاب و درخشان و تیز آنها پرتوافکن است و بر دل بیننده اثرگذار...

(\*)آقای ایرج افشار چندگاه پیش سفری کوتاه به هندوستان فرمود،این مقاله بیادگار این سفر نوشته شده است، هیچ میدانید که عبد الرزاق سمرقندی در کتاب مطلع سعدین در شرح منازل‏ سفر خود از سمرقند تا کرانهء خلیج‏فارس و سپس تا دل هند چه مینویسد؟در ذکر یکی از بنادر،که حدّفاصل میان هند و جانب شرقی آنست مینویسد که:مردمان‏ این شهر از تملّق عراقیان برخوردارند و از تعمّق هندیان...!

راستی اگر بر او خشم نگیریم،سخن راست بر زبان رانده است،و اگر تملق‏ عراقیان را نپذیریم تعمق هندیان را باید بپذیریم.

ما از هند و مردم هند شرمساریم،چه می‏دانیم تاختن نادر تا دهلی مایهء آبرو و افتخار نیست،همانگونه که هجوم سپاه یونان بسرداری اسکندر سبب فخر و بزرگی‏ یونان نباید باشد.

مشترکات بسیاری میان ایران و هند هست.تمدنها و مذاهب ایران و هند هر دو کهن و قدیمی است.زبان سانسکریت و زبان اوستا همریشه‏اند.میان اوستا و ودا هم‏سخنی‏ها و هم‏آوازی‏ها است.

هند،روزگاری قلمرو زبان فارسی بود.شاعران پارسی‏سرای در شهرها و روستاهای هند،این‏سوی و آن‏سوی بسیار بودند،از آن جمله امیر خسرو دهلوی و حسن‏ دهلوی از نامداران آنان و از شاعران بزرگ و سخن‏آفرین شعر فارسی بشمار می‏آیند.

در هند کتابهای بسیار بزبان فارسی نوشته شده است.از آن میان لغت‏نامه‏ها و دستورهایی که برای زبان فارسی نوشته‏اند در خور ارج و فایدت است.همانگونه‏ که ایرانیان برای اعراب فرهنگ و دستور زبان نوشته‏اند در هند هم برای فارسی‏ آموختن فرهنگ و دستور نوشته شده است.

بجز این،هند سرزمینی است که چند هزار کتاب فارسی در آنجا به زیور چاپ‏ درآمده.کتابهایی در آنجا بطبع رسیده است که احیانا ما را از وجود آنها هم،نشان و خبری نیست.همین کتاب شرح تعرّف را که از نثرهای جاندار و ممتاز زبان فارسی است، سالها پیش در هند طبع کرده‏اند و بیش از ده سال نیست که ما از طبع آن آگاه شده‏ایم.

آثار فکری و ذوقی و هنری ایران در هند کم نیست.در تمام شهرهایی که‏ سلسله‏های پادشاهان اسلامی بر آن شهرها حکومت و تسلط داشته‏اند ابنیه و عماراتی چشم می‏خورد که بر آنها نقوش و خطوط و کتیبه‏هایی ایرانی و فارسی هست.شهر دور افتادهء مدرس نیز از آثار ایرانی بی‏نصیب نیست.در چند کلیسای اطراف آن شهر صلیبهایی‏ هست که بر روی آنها خط پهلوی منقوش است.این صلیب‏ها از آن نسطوریانی است‏ که در عهد ساسانیان از ایران بدان سامان برده‏اند تا دین مسیح را بر لب اقیانوس‏ کبیر دامنه بخشند...

از آثار و رفتار پارسیان نیز بهمین نکته بسنده میکنم که این مردمان ایرانی نژاد خدمات بزرگ به هند کرده‏اند.همواره در کارهای خیر و عمومی برای آن سرزمین‏ جهد و کوشش بسیار داشته‏اند.برای زنده نگاه‏داشتن مذهب زردشت و بقای اندیشهء ایرانی نیز کوشیده‏اند.از میان آنها دانشمندان و برجستگان نامداری برآمده‏اند که مجسمهء آنها زیب کوی و برزن شهر بمبئی است.

هند سالیانی نسبة دراز در چنگ انگلیس بود.ثروت و مایهء هند به جزایر انگلیس میرفت،اما از انصاف درنگذریم که از انگلیسها برای آن مملکت یک اثر باقی مانده و آن نظم اداری و شیوهء مملکت‏داری و حس آزادی‏طلبی است.

اگر امروز از هند آزاد آوای آزادی بگوش میرسد و اندیشهء آزاد را در آنجا مقامی بلند از آنست که تحصیل کردگان هند و اداره کنندگان نیک‏اختر آنجا نه تنها در زندان انگلیسها در طلب آزادی بانگ برآورده‏اند بلکه طعم آزادی را در انگلیس چشیده‏اند...

امروز هند،هند دیگری است.نهرو پیشوای خردمندآن شبه‏قاره و دانای بزرگ‏ آسیا هند را بیدار کرده است و میکوشد که آنرا بیدار نگه دارد.جان کلام نهرو اینست‏ که هند باید چندان بکوشد که در صنعت و علم پیش افتد و بپای ممالک پیش رفته برسد. این مقصود غایت اندیشه و آرزوی اوست.همین مسائل را با ما هم در میان گذاشت و در سه‏ نطق دلیرانه و بیدارکنندهء خود که برای ما ایراد کرد بدین نکتهء مهم اشارت و تأکید کرد.

بیداری و خردمندی رهبران هند سبب شده است که دریائی از آدمی بحرکت‏ درآید و جنبش مردانه کنند.سبب شده است که هند مقام بلندی را که باید احراز کند،در شرف بدست آوردن است...